



گزارش «وطن امروز» از برگزاری نشست عادی شورای امنیت درباره قطعنامه ۲۲۳۱

ماشه علیه ماشه

صفحه ۲

پنجشنبه ۱۴۰۲ خرداد ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴ | سال هفدهم | شماره ۴۹۰۹ | صفحه ۵۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

کنسرت ویژه ارکستر موسیقی ملی ایران با اجرای قطعات خاطره‌انگیز بر نامه‌های کودک دهه ۶۰

خانم آبرومند

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.42091 | THU.DEC.19, 2024 | ISSN:2008-2886

۱۴۰۲ سال و ۹۸ روز گذشت

ائتلاف سه‌گانه

برای استیلا بر شام



یادداشت روز ابوالفضل ولایتی

با خروج آخرین نظامیان فرانسوی در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶، جمهوری سوریه که بعدتر نام خود را به جمهوری عربی سوریه تغییر داد استقلال خود را اعلام کرد. فضای استقلال‌خواهانه و استعمارستیزانه حاکم بر سوریه و جهان عرب در سال‌های پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و خاتمه جنگ بین‌الملل دوم، موجب شد اندیشه‌های ملی‌گرایانه توسط شخصیت‌های برجسته عرب سوری همچون شکرى القوتلى، حسنى الزعيم، سامى الحناوى و هاشم الاتاسى در سوریه مانند دیگر ملت‌های عرب نضج پیدا کند؛ افکاری که بعدتر و با تاسیس حزب بعث سوسیالیست عرب به رهبری میشل عفلق، صلاح‌الدین بیطار و زکی ارسوزی در سال ۱۹۴۷ و تلاش آنان برای رنسانس سوریه را به دلیل همجواری با سرزمین‌های اشغالی و افزایش تحركات پان‌عربیستی در منطقه و در راستای آزادسازی سرزمین‌های عربی از اشغال صهیونیست‌ها به سوی بلوک شرق و ضدیت با امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی سوق داد. قدرت‌گیری سپهبد حافظ اسد در پی کودتای نظامیان وفادار به وی در سال ۱۹۷۰، عملاً سوریه را در جرگه خصم کلیدی رژیم صهیونیستی در منطقه قرار داد.

برآیند تحولات حاکم بر سوریه در خلال ۵ دهه اخیر، گواه آن است که ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، به انحاء گوناگون کوشیدند زمینه ورود سوریه به پروسه سازش در منطقه را رقم زده یا در صورت عدم دستیابی به مقصود یادشده، بستری را برای تضعیف و سقوط حاکمیت اسد در سوریه فراهم آورند؛ بستری که پس از وقوع آنچه بهار عربی نامیده می‌شود، مهیا شد. ورود سوریه به جنگ داخلی ۱۳ ساله و تلاش رژیم اردوغان برای موج‌سواری بر تحولات حاکم بر این کشور جهت قدرت‌گیری عناصر اخوانی، لاجرم آنکارا را در کنار واشنگتن و تل‌آویو قرار داد. همجواری ترکیه با سوریه و اشتراکات مذهبی و تاریخی ۲ کشور، موجب شد بر خلاف تکرش منفی نسبت به تحرک احتمالی صهیونیست‌ها در سوریه، آنکارا با فراغ‌بال و با چراغ سبز واشنگتن و شیخ‌نشین‌های منطقه در پی سرنگونی حکومت سوریه گام بردارد؛ امری که در نهایت و با حملات برقی آسای اخیر تروریست‌ها به حلب، حماه و در نهایت دمشق به سرانجام رسید و به ۵۴ سال حاکمیت ضدصهیونیستی خاندان اسد در دمشق خاتمه داد. در این نوشتار به اشتراک مصالح و تشریح مساعی رژیم اردوغان، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده در سرنگونی حکومت بشار اسدی می‌پردازیم.

■ از میان بردن حلقه اتصال محور مقاومت در منطقه فروپاشی رژیم صدام در عراق را می‌توان نقطه عطفی در معادلات منطقه‌ای قلمداد کرد؛ رخدادی که عملاً با تحول در موازنه قوا، دست برتر را در منطقه از آن جمهوری اسلامی ایران کرد. قدرت‌گیری روزافزون حزب‌الله در معادلات داخلی لبنان پس از جنگ تموز ۲۰۰۶، دست برتر انصارالله در تحولات حاکم بر یمن با سقوط علی عبدالله صالح و پیروزی حماس در باریکه غزه بر فتح در سال ۲۰۰۵، موجب شد سلط عبدالله دوم پادشاه اردن از شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه و خطرات آن برای شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و رژیم‌های ارتجاعی سخن به میان آورد. شدت نفوذ تهران در منطقه و حضور همزمان در دریای مدیترانه و تنگه باب‌المندب موجب شد ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه، بروز تنش در سوریه را عنایت‌شمرده و در پی سقوط حاکمیت اسد در دمشق و قطع محور مواصلاتی تهران - بیروت گام بردارند؛ امری که در فرآیند سقوط اسد، به وضوح از سوی نتایج مطرح شده و سقوط حاکمیت سوریه را مترادف با تضعیف تهران در منطقه قلمداد کرد.

با وجود اشتراک دیدگاه اردوغان، نتایج او و سردمداران کاخ سفید درباره ضرورت به چالش کشیدن حاکمیت اسد در سوریه، هر یک از آنان با هدف مدنظر خویش قدم در این راه پر پیچ و خم نهادند. رژیم اسرائیل و ایالات متحده با هدف قطع ارتباط آنچه نیروهای نیابتی ایران می‌نامیدند وارد این کارزار شده و اردوغان با اتکا به سیاست نوع‌انسانی‌گری و همچنین تقویت محور اخوانی‌ها در منطقه، در مسیر به قدرت رساندن متحدان خویش در سوریه گام برداشته است؛ روندی که اگر چه با موفقیت به سر نمرز مقصود رسیده، لیکن از ظرفیت لازم برای تعارض منافع فی‌مابین در آینده‌ای نزدیک برخوردار است.

■ خروج روسیه از مدیترانه و غرب آسیا از جنگ کنونی حاکم بر اوکراین، به عنوان بزرگ‌ترین منازعه اروپا در خلال سال‌های پس از خاتمه جنگ جهانی نام برده می‌شود. اهمیت رویارویی مسکو با کی‌یف و متحدان غربی‌اش در طول ۲ سال اخیر تا بدان جاست که شماری از ناظران بین‌المللی از پتانسیل بالای تبدیل جنگ اوکراین به جنگ سوم جهانی سخن به میان آورده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

پرونده «وطن امروز» درباره تحولات سوریه

آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه در راستای کدام منافع مشترک سوریه را وارد دالان تاریک کردند؟

به صرف شام



صفحات یک، ۲ و ۳

عکس AP

علی حیدری، کارشناس مسائل ترکیه در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

اردوغان اهداف آمریکا را در سطح منطقه پیاده می‌کند

ترکیه تلاش می‌کند در بازی کردیورها ایران و روسیه را دور بزند

سوریه به‌گونه‌ای است که اکنون هیچ یک از طرف‌های خارجی تمایلی به ظهور دوباره داعش ندارند. او تأکید می‌کند قدرت‌های جهانی همچنان به ثبات نسبی در سوریه علاقه دارند تا بتوانند نفوذ خود را در منطقه حفظ و از بروز بحران‌های جدید جلوگیری کنند.

■ سقوط بشار اسد و افزایش نفوذ دولت ترکیه در سوریه چه تأثیری بر وضعیت سیاسی و اجتماعی سوریه خواهد داشت؟

ترکیه به بهانه حضور کردها و ایجاد امنیت در مرزهای جنوبی خود، سلسله عملیاتی را در شمال سوریه به ترتیب داد. این کشور پیش‌تر تحت عناوینی همچون «بلاب»، «سپر فرات»، «چشمه صلح» و «شاخه زیتون» این عملیات‌ها را انجام داد و در عمق کم یا زیاد ۳۰ کیلومتری می‌خواست یک نوار مرزی امنیتی ایجاد کند تا مانع تأثیرگذاری کردها - که آنها را دنباله «کک‌ک» می‌داند - در شمال سوریه و جنوب مرزهای خود شود. به این بهانه وارد شد، لشکرکشی کرد، حضور پیدا کرد و الان هم مستقر شده است. من فکر نمی‌کنم که شاهد خروج ترکیه از این منطقه یا از سوریه باشیم؛ چون به هر حال اهدافی را دنبال می‌کند، چه در شمال سوریه و چه در شمال عراق، که ایجاب می‌کند این حضور نظامی را داشته باشد. از جمله اینکه در شمال سوریه، با توجه به حضور نظامی خود، می‌تواند نفوذ سیاسی و اجتماعی‌اش را بیشتر کند و آن منطقه را تحت عنوان منطقه حائل یا منطقه امن توسعه دهد. همچنین ساخت‌وسازهایی در آن انجام بدهد و پناهجویانی که اکنون در ترکیه هستند (۳.۵ تا ۴ میلیون نفر) به تدریج به آنجا منتقل کند. این اقدام باعث می‌شود نفوذ ترکیه در سال‌های آینده در سوریه بیشتر شود. البته همه اینها مربوط به قبل از سرنگونی دولت اسد بود و اکنون دست ترکیه در آنجا خیلی بازرتر شده و راحت‌تر می‌تواند نفوذ و حضور داشته باشد و سیاست‌های خود را پیش ببرد.

■ از آنجا که نقش ترکیه در حمایت از گروه‌های مختلف در سوریه علنی است، چه ارزیابی‌ای از تأثیر این حمایت‌ها بر تحولات سیاسی و نظامی آتی سوریه دارید؟ مهم‌ترین هدفی که ترکیه از این حمایت‌ها دنبال می‌کند چیست؟

ببال اصلی اتفاقاتی که در سوریه افتاد، همه می‌دانند جیش‌الوطنی بود که تحت کنترل کامل

ترکیه قرار داشت. نیروهای این گروه از طرف ترکیه آموزش نظامی دیدند، در ترکیه تأمین مالی شدند و حمایت‌های مالی نیز از آنها صورت گرفت و طی یک دهه گذشته در سوریه حضور داشتند. اینها کاملاً تحت کنترل، حمایت و پشتیبانی ترکیه بودند و در اتفاقات اخیر، بال کناری تحریر الشام بودند. جیش‌الوطنی و تحریر الشام به عنوان ۲ نیروی عمده‌ای که سوریه و دولت سوریه را ساقط کردند، عمل کردند. در حال حاضر جیش‌الوطنی بخشی از سوریه را تصرف کرده و منابع نفتی را نیز در آن مناطق در اختیار دارد. ترکیه به دلیل وضعیت جغرافیایی خود، منبع نفت و گاز چندانی ندارد و البته به این منابع نیازمند است. تسلط این گروه‌ها بر سوریه می‌تواند یک فرصت برای ترکیه فراهم کند، کما اینکه در دره‌ای که این منابع در اختیار داعش بود، ترکیه از طریق کشورهای دیگر، بویژه کشورهای اروپایی، این منابع را صادر می‌کرد و مورد استفاده قرار می‌داد. البته ممکن است خود نیز از این منابع استفاده کند. در بحث ترانزیت انرژی هم اگر ترکیه بتواند آن را دنبال کند، می‌تواند گاز قطر را از طریق خط لوله به داخل انتقال دهد و سپس به کشورهای اروپایی منتقل کند اما با توجه به اینکه قطر وارد تکنولوژی گاز مایع شده و آن را در کپسول صادر می‌کند، این موضوع تا حدی با تردید مواجه است بویژه فضای میدانی برای این حجم از لوله‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌ها وجود ندارد. با این حال، ترکیه همچنان تمایل دارد این مسیر را دنبال کند، چرا که می‌تواند هم به عنوان یک مسیر ترانزیتی عمل کند و هم به تبدیل شدن آن به یک هاب انرژی منطقه‌ای کمک کند.

■ هاگان فیدان، وزیر خارجه ترکیه اخیراً اظهار نظری کرده مبنی بر اینکه بشار اسد در محور مقاومت نبوده و در واقع برای اسرائیل و آمریکا گزینمای مناسب بوده است، شما این ادعا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه دلایلی باعث شد وزیر خارجه ترکیه چنین سخنی را مطرح کند و یک واقعیت مشهود را زیر سوال ببرد؟ یکی از مهم‌ترین کاربزه‌های سوریه و بشار اسد برای ایران و برای منطقه، موضوع محور مقاومت بود که در آن محور نقش مهمی داشت و خوب با سیاست‌ها و ویژگی‌های خاص خود از این محور حمایت و پشتیبانی می‌کرد. برای منطقه، این مهم‌ترین ویژگی بشار اسد بود و برای کشورهای عرب خلیج فارس نیز این ویژگی بسیار مهم بود و

گاهی آنها را اذیت می‌کرد. موضوعی که آقای فیدان به آن اشاره کرده در واقع تخریب همین برجستگی است. او می‌خواهد این پیام را منتقل کند که شما یک ویژگی مهم برای بشار اسد به عنوان محور مقاومت را نادیده بگیرید؛ چون همین محور و همین فرد که در سوریه حاکم بود، برای اسرائیل بهترین گزینه بود و آمریکایی‌ها هم نمی‌خواستند که این فرد سرنگون شود. بر اساس ادعای ایشان، بشار اسد تنها در محور مقاومت نبود بلکه در پس‌زمینه هم قرار نداشت. او در واقع می‌خواهد این پیام را منتقل کند که انطور که طی ۲ دهه گذشته درباره بشار اسد و حکومت سوریه گفته می‌شود، نبوده و نیست و اتفاقاً این فرد مهره مناسبی برای اسرائیل و آمریکا بوده است. این ادعا اما چندان درست نیست، چون خود همین کشورها در ابتدای بحران سوریه تلاش زیادی کردند که بشار اسد سرنگون شود و جلسات متعددی تحت عناوین «دوستان سوریه» در همان سال‌های اول با حضور ۷۰ یا ۸۰ کشور برگزار شد تا بتوانند به هر نحو ممکن این کار را انجام دهند اما نتوانستند، چون هم پشتیبانی مردمی را داشت، هم ارتش را در کنار خود داشت و هم محور مقاومت و روسیه از این دولت مشروع حمایت می‌کردند.

■ نظر تانر درباره آن بخش از اظهارات آقای هاگان فیدان مبنی بر منفی خواندن حضور ایران در سوریه چیست؟ آیا می‌توان از آن به نوعی رسمیت بخشیدن به یک تقابل منطقه‌ای را برداشت کرد؟ در این صورت چگونه می‌توان آینده رقابت ایران و ترکیه را در این منطقه پیش‌بینی کرد؟ آقای هاگان فیدان در این باره گفت «امروز کاری که ایران دارد می‌کند، برای ما قابل قبول نیست؛ ما نمی‌خواهیم حضور نظامی ایران در این منطقه ادامه داشته باشد». وزیر خارجه ترکیه همچنین طی چند وقت گذشته بارها به این موضوع اشاره کرده و مدعی شد حضور ایران در سوریه منفی بوده و ما قصد نداریم مثل ایران به‌صورت منفی در این کشور حضور داشته باشیم، بلکه حضور ما سازنده خواهد بود. ما برای ساخت‌وساز آمده‌ایم، برای آبادانی آمده‌ایم، برای اقتصاد آمده‌ایم. به هر حال انتظار دیگری از ترکیه نمی‌شود داشت، چون حداقل بعد از فروپاشی عثمانی (و حتی قبل از آن هم) ۲ کشور ایران و ترکیه به عنوان ۲ قدرت بزرگ منطقه‌ای همیشه در رقابت با هم بوده‌اند

و تلاش کرده‌اند در مناطق پیرامونی شان جا پایی برای خودشان پیدا کنند و طرف مقابل را کنار بزنند. خوب، حالا ترکیه به این خواسته رسیده و بعد از ۱۳ سال توانسته با سرمایه‌گذاری‌هایی که کرده بود و کمک‌هایی که آمریکا، اسرائیل و تروریست‌ها داشتند، سوریه را به نوعی به دست بگیرد و اسد را برکنار و سرنگون کند. با توجه به آن پیشینه و رقابتی که وجود داشته است، تقریباً می‌توانیم بگوییم ترکیه در عرصه‌هایی که با ایران رقابت داشته، توانسته موفقیت نسبی کسب کند ولی باید ببینیم شرایط در آینده چگونه پیش خواهد رفت، چون نمی‌توانیم از الان بگوییم که چه اتفاقی به‌طور کامل و مطلق در سوریه افتاده و آیا شرایط به همین منوال ادامه خواهد یافت یا نه؛ در این مورد هم جای تردید و هم جای شک وجود دارد.

■ در رقابت‌های کردیوری میان ایران و ترکیه، بویژه در زمینه ترانزیت انرژی و مسیرهای تجاری، شما چه عواملی را مهم‌ترین تهدیدها و چالش‌ها برای ایران می‌دانید؟

یکی از عرصه‌های رقابت ایران با ترکیه در بحث کردیور است که ترکیه طی چند سال گذشته تلاش کرده با تسهیل در ایجاد کردیورهایی که از کنار ایران عبور می‌کنند، کمک کند تا ژئوپلیتیک ترانزیتی ایران تخلیه شود؛ یعنی پتانسیل ژئوپلیتیکی ایران در حوزه ترانزیت کاهش یابد. از جمله این کردیورها، کردیور جایگاه ترانزیتی و کردیوری ایران است. به نوعی موضوع سوریه نیز می‌تواند یکی از این عوامل باشد؛ با توجه به مسیر خط لوله گازی که از قطر، سوریه و ترکیه عبور می‌کند و به اروپا می‌رسد، ترکیه تلاش می‌کند علاوه بر ایران، به عنوان یک محل کردیوری و یکی از منابع بزرگ گاز، حوضه روسیه را هم - در صورت یافتن فرصت - دور بزند. ترکیه از این طریق هم تلاش می‌کند خود را به‌صورت تثبیت‌شده در حوزه کردیور انرژی جایگاه‌سازی کند و هم به یک هاب انرژی منطقه تبدیل شود.

ادامه در صفحه ۷